

گرایش به اسلام در میان ترکمن‌ها

حسین حدادی خراسانی

کارشناس ارشد علوم اجتماعی (پژوهشگری) و مدرس دانشگاه

عبدالجلیل فرهمند

مدرس مدرسه علوم دینی ضیائیه قیان علیا

چکیده

واژه‌های ترکمن و ترکمان در گذشته به تمامی قبایل ترک تبار اغوز به‌ویژه طایفه‌های کوچ‌نشین و مسلمان گفته می‌شد که این معنا اعم از کاربرد قوم ترکمن امروزی است. در گذشته، ترکمن نام عمومی بسیاری از اقوام ترک تبار به ویژه اقوام اغوز مسلمان کوچ‌نشین بود و نه صرفاً قومی که امروزه ترکمن نامیده می‌شود و شامل طوایفی است که در شرق دریای خزر از رود جیحون تا شمال خراسان و رود گرگان سکونت داشته‌اند. قوم ترکمن نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین اقوام ایران از نظر تاریخی دارای پیشینه‌ای می‌باشد که در این مقاله، سعی شده چگونگی گرایش آنان به اسلام با مراجعه به اسناد و مدارک موجود در کتابخانه‌ها و تاریخ این قوم مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: اسلام، ایران، ترکمن، مذهب، آداب و رسوم

مقدمه

اوغوزها که در منابع اسلامی «غز» نامیده شده و از قرن یازدهم میلادی با نام ترکمن معروف شده‌اند، اجداد ترک‌زبانان ایران، آذربایجان، ترکیه، عراق و ترکمنستان را تشکیل می‌دهند. خاندان‌های سلاجقه و عثمانی نیز اوغوز بوده‌اند. به این ترتیب، اوغوزها یکی از اقوام ترک می‌باشند که در تاریخ جهان به خصوص در عالم اسلامی، نقش مهمی را ایفا نموده‌اند. شناخت آداب و رسوم فرهنگی و دینی قوم ترکمن در ایران به این خاطر مهم است که موجب شناخت بیشتر و بهتر شده و زمینه اتحاد و هبستگی بین اقوام ایرانی را به وجود می‌آورد. علاوه بر این، به جای پرداختن به فرهنگ وارداتی غربی و ارزش‌های آن، با معرفی آداب و رسوم اقوام و تکیه بر آن، که اصالت ایرانی و اسلامی و ارزش‌های آن را می‌رساند، می‌تواند نوعی مقابله با تهاجم فرهنگی باشد. به عبارت دیگر، توجه به فرهنگ اقوام ایرانی و شناخت آداب و رسوم آنها زمینه اتحاد و هبستگی بین اقوام ایرانی اعم از کرد، بلوچ، فارس، عرب، ترک، لر، گیلکی و قشقایی را به وجود می‌آورد. ترکمان با تلفظ ضمه، قومی از ترک‌ها می‌باشد که به خاطر این که در یک ماه، دویست هزار نفر از آنها به دین اسلام گرویدند، ترک‌ایمان نامیده شدند و بعدها به خاطر استعمال کثیر، به لفظ ترکمان تخفیف یافته‌اند (الفیروزآبادی، ۲۰۰۵م).

آیین‌ها، تجسم اندیشه و باورهای یک قوم هستند که در قالب اعمال و رفتارهای مشخصی ظهور و بروز می‌یابند. اجرای آیین‌ها، وسیله‌ای برای انتقال دانش و سنت‌ها و عامل ایجاد ارتباط با سایر انسان‌هاست. ایران به عنوان بخش مهمی از تمدن بشری، سرشار از آیین‌هاست و این آیین‌ها، کارکردهای بسیاری دارند. دسته‌ای از آیین‌ها با مذهب و دین گره خورده‌اند و در جهان هم این‌گونه است. هر ساله آیین‌های مذهبی با شکوهی در بین اقوام ایرانی برگزار می‌شود. هر چند که تنوع و تفاوت‌های فرهنگی گوناگونی بین این آیین‌ها وجود دارد، ولی باید توجه کرد که کارکردهای مشترکی هم وجود دارد که بر اساس آن، اقوام و گروه‌های مختلف قومی حتی در جغرافیای متفاوت آیین‌های مشابهی را برگزار می‌کنند.

روش تحقیق

مقاله حاضر، جنبه اسنادی-کتابخانه‌ای داشته و اطلاعات و داده‌های آن بر مبنای منابع کتابخانه‌ای از طریق فیش‌برداری از کتاب‌ها، مقالات، نشریات گوناگون و بانک اطلاعاتی شبکه اینترنتی جمع‌آوری و تنظیم شده است.

اعتقادات دینی ترکمن‌ها

در اوایل قرن دهم میلادی، به استثنای اویغورها، اوغوزها (ترکمن‌ها) نیز همانند سایر اقوام ترک، اعتقادات قومی دینی خود را تداوم می‌بخشیدند. جهان اسلام نسبت به این امر وقوف داشت که ترک‌ها با تفکر اولوهیت آشنا بوده و آنرا با مفهوم تانری Tanri بیان می‌کردند (ابن فضلان: ۱۰). عنوان اولوغ بایات Ulug Bayat که ترک‌ها به خالق نهاده بودند با اعتقادات اسلامی آنها گره خورده بود (مقدسی در کتاب تاریخ فخرالدین مبارکشاه، کلمه بایات را به معنی «خداوند» آورده است). البته در این خصوص که شخصیت‌های دینی اوغوزها در مورد صفات «تانری» چه تصوراتی داشته‌اند، اطلاع دقیقی در دست نیست. گویا عوام اوغوز تصوراتشان در رابطه با تانری چندان غنی نبوده است و آنها به تانری، توصیفات انسانی اضافه می‌کردند. یکی از افراد اوغوز از ابن فضلان پرسیده بود که تانری همسر دارد یا خیر؟ مولف به خاطر این سوال بسیار استغفار کرده بود و فرد اوغوز نیز به همین صورت رفتار کرده است (ابن فضلان: ۱۱؛ الدههان: ۹۳).

ابن فضلان نه از مشاهده معبد و نه از ملاقات با یک شخص روحانی به وضوح خبری نمی‌دهد. البته می‌دانیم که اوغوزها قاضی داشته‌اند، اوغوزها به شخصیت‌های روحانی خود احترامی بسیار قائل بودند (مینورسکی: ۱۰۰). حتی از این سخن می‌رود که این قاضی‌ها در میان اوغوزها در مسائل خونی و گوسفندان صاحب حکم بوده و از این امر به خوبی فهمیده می‌شود که شخصیت‌های روحانی تا چه حد در میان مردم صاحب نفوذ موثر بوده‌اند (بیهقی، ۱۳۲۴ ش: ۶۲۷-۶۲۸). قورقوت اتا خودمان (دده قورقوت) یکی از این قاضی‌ها بود. این شخصیت‌های مذهبی، طبابت و پیشگویی می‌کردند و در خصوص امور جاریه آینده استخاره می‌کردند و در عین حال، رهبری آیین‌های مذهبی مردم را بر عهده داشتند. مشخص نیست که اوغوزها به این شخصیت‌ها عنوان «قام» Kam و یا عنوان دیگری مثلاً «دده» را اطلاق می‌نمودند. از قرن دوازدهم به بعد، شخصیت‌های روحانی تحت عنوان «آتا» Ata نامیده می‌شدند. در زبان ترکی قدیم، کلمه «قانگ» Kan مفهوم پدر را مستفاد می‌کرد؛ بعدها جای این کلمه را واژه «آتا» گرفت. جای کلمه «آتا» را نیز واژه «بابا» گرفت که عنوانی برای روحانیون بود.

در خصوص آداب تدفین اموات، اوغوزها (ترکمن‌ها) همانند گوگ‌ترک‌ها، مردگان خود را در حالی که در زیر آنها لباس و در روی‌شان سلاح و در طرفین دیگر، وسایل شخصی آنها را قرار می‌دادند، دفن می‌کردند. مرده را در گوری شبیه خانه قرار داده و در دستش جامی پر از شراب (شاید قمیز) (در کتاب ابن فضلان نیز (شرابی ساخته شده از خرما و انگور خشک) گفته می‌شود. ابن فضلان گویا قمیز را مایعی اینگونه م دانسته است) و در مقابلش نیز ظرفی پر از شراب گذاشته می‌شد. گور همانند یک اتاق ساخته می‌شد. بین این گورهای اوغوزها

و گنبدهایی Kumbet (ا.دایز ۱۹۴۶م: ۸۴) که در ترکیه به ویژه در دوره سلجوقیان به شکل گسترده دیده شده و توسط کارشناسان با چادرهای ترک مورد مقایسه قرار گرفته‌اند، شباهتی بسیار نزدیکی دیده می‌شود. می‌دانیم که ترکمن‌های ماوراء خزر نیز بر بالای گورهای مردگان خود، گنبدی ساخته و آن را «یوزقا» Yozka می‌نامیدند (آرمینیوس، ۱۸۶۴م: ۳۲۴/۷۱/۵۶). بعد از انجام مراسم تدفین، اسب‌های متوفی را کشته و می‌خوردند (ابن فضلان، ۶۳). این در واقع، همان مراسم یوغوآشی Yugu Asi و یا اولوآشی Olu Asi مرسوم در میان اقوام ترک می‌باشد (اینان، ۱۹۵۴). این مراسم بعد گذشت قرن‌ها، هنوز نیز در روستاها، قصبات و حتی در شهرهای ترکیه عیناً به جای مانده است.

چنان‌چه متوفی در زمان حیات اشخاصی را کشته باشد، تصویر افراد مقتول بر روی چوب‌هایی حکاکی شده در بالای گور نصب می‌کردند. طبق باورهای موجود، فرد یا افراد مقتول در بهشت، خدمت کار متوفی خواهند بود (ابن فضلان، ۱۴). این نیز همچنان که استنباط خواهد شد چیزی غیر از مراسم بالبال Balbal معمول در میان گوک‌ترک‌ها نبوده است (اینان، ۱۸۰-۱۷۸). اوغوزها در آن زمان، همانند سایر اقوام ترک سرها، پاها، پوست‌های اسبان تناول شده در مراسم یوغ آش را از چوب‌های نصب شده در بالای مزارها آویزان می‌کردند (ابن فضلان). آنها عقیده داشتند که متوفی با این اسب‌هایی که گوشت‌شان خورده شده و پوست‌شان بر چوب‌ها آویزان شده است، به بهشت خواهد رفت، در غیر این صورت متوفی مجبور بود مسافرت خسته کننده به بهشت را طی طریق کند (همان).

اغوزها طبق اعتقادات دینی خود داخل آب نشده و از شست‌شوی افراد بیگانه نیز جلوگیری می‌کردند. زیرا می‌ترسیدند کسی که وارد آب شده خودش را جادو کند و هر کسی هم که این کار را می‌کرد، به جریمه نقدی محکوم می‌کردند (همان، ۱۲-۱۰؛ الدههان، ۹۴-۹۲). طبق یک اعتقاد کهن معمول در میان کلیه اقوام ترک، آب مبارک و پاک است و شست‌شو آب پاک و مقدس را کثیف کرده و در نتیجه، یک عمل گناهکارانه بزرگ محسوب می‌شد. این عمل باعث بدبختی و فلاکت به صورت بروز بیماری در میان انسان‌ها و حیوانات خواهد شد. آنها همچنین طبق اعتقاد دینی، لباس‌های‌شان را تا زمان فرسودگی از تن در نمی‌آوردند (همان، ۱۴؛ الدههان، ۱۰۳). اوغوزها همچنین برخلاف مسلمانان، گوسفندان را با کوبیدن بر سرش می‌کشتند (همان، ۹۵). اوغوزها به بیماران هر چند که از اقوام نزدیک‌شان نیز بود، نزدیک نمی‌شدند و بردگان و کنیزان به بیماران خدمت می‌کردند. فقرا نیز به حال خود گذاشته می‌شدند (همان، ۹۹)؛ این امر بدون شک از ترس آنها از مبتلا شدن به امراض واگیردار ناشی می‌شد.

اسلام آوردن اوغوزها (ترکمن‌ها)

در ربع اول قرن دهم میلادی یکی از اجتماعات مهم ترک که در سوت کنت (Sut Kent) سکونت داشت، اسلام آورد (ابن حوقل، ۵۱۱؛ مینورسکی، ۱۱۸) و شک نیست که این گروه از اوغوزها بوده‌اند. می‌دانیم که در اواخر قرن یازدهم «سوت کنت» یکی از شهرهای اوغوز بوده است. همچنین در ربع اول قرن دهم ما بین دو شهر فاراب - کنجه (Farab Kence) و شاش (تاشکند Taskend) حدود هزار چادر از ترکان اوغوز و قارلوق که اسلام آورده بودند، سکونت داشته‌اند (همان).

این قبایل در مقابله با حملات ترکان غیرمسلمان، خدمات قابل ملاحظه‌ای را انجام می‌دادند. ابن فضلان در سال ۹۲۱ میلادی در مسیر سفر به بلغار با یکی از بزرگان اوغوز، بنام قیچق ینال Kicik Yinal ملاقات داشته است. وی یک‌بار اسلام آورده بود، ولی به علت اعتراض مردم به این مضمون که «چنان‌چه اسلام آوری، بر ما فرمان نخواهی راند» بالاجبار به دین سابق خود بازگشته بوده است (ابن فضلان، ۱۳؛ الدهمان، ۹۸-۹۷).

مرز اسلام به جهت مجاهدت سامانیان تا آن سوی شهر طراز Taraz گسترش یافته بود. در نتیجه لشکرکشی اسماعیل ابن احمد به تالاس و فعالیت فرمان‌روایان اسفیجاب، ملک ترکمن که در شهر اردو واقع در غرب بلاساغون مستقر بود، اسلام آورده و خراج‌گذار فرمانروایان اسفیجاب شده بود. اولین قوم از اقوام ترک که اسلام آوردند، ترکمن‌های ساکن در بخش میرکی Mirki واقع در محدوده شرقی ما بین بلاساغون تالاس بودند. محقق است که پذیرش اسلام توسط این ترکمن‌ها در نیمه اول قرن دهم بوده است. بلاساغون در سال ۹۴۲ میلادی به تصرف ترکان غیرمسلمان افتاد (ولادیمیروویچ، ۱۹۳۰: ۲۵۶). بدون شک در رأس این ترکان غیرمسلمان، خاندان قره‌خانی Kara Khani از قبیله یغما بودند. این واقعه، تاریخ تصرف وادی طراز (تالاس) توسط خاندان قره‌خانی که موطن اصلی آنها ناحیه کاشغر بود، را نشان می‌دهد.

مورخان خاطرنشان می‌سازند که در سال ۳۴۹ ق (۹۶۰ میلادی) یک اجتماع بزرگ ترک مرکب از ۲۰۰/۰۰۰ خانوار اسلام آوردند (همان، ۲۵۵). این اجتماع بزرگ ترک مرکب از قبایل یغما، قارلوق، چگیل و توخسی بودند که در قلمرو تحت حاکمیت خاندان قره‌خانی سکونت داشتند. می‌توان اظهار داشت که در نیمه دوم همین قرن، اسلام در بین اوغوزها نیز به قدر کافی گسترش پیدا کرده بود. ابوابراهیم (منتصر) آخرین شاهزاده سامانی در اثنای اقداماتی در جهت باز پس گرفتن ماوراءالنهر از حاکمیت قره‌خانیان یک‌بار نیز نزد یابغوی اوغوز آمده و با او اتحاد بسته و خویشاوند شد. در نتیجه، یابغو مسلمان شده است (گردیزی، ۱۷۶).

از این مطالب چنین مستفاد می‌شود که اسلام فقط در قرن یازدهم در بین قوم اوغوز به عنوان یک دین غالب درآمده است. مسلمانان ماوراءالنهر به آن دسته از اغوزهای مسلمان به منظور تمیز از برادران غیرمسلمان آنها، عنوان ترکمن را اطلاق می‌کردند. به علت این که نام اولین قوم ترک که در آسیای مرکزی اسلام را پذیرفته و در بین بلاساغون و میرکی سکونت داشتند، ترکمن بود، در میان مسلمانان ماوراءالنهر نام ترکمن در شکل «ترک مسلمان» به تدریج به عنوان یک مفهوم ویژه نیز کاربرد پیدا کرد. بدین ترتیب به گروه‌هایی از اوغوز که اسلام می‌آوردند، عنوان ترکمن اطلاق شد. اطلاق عنوان ترکمن از اوغوزهایی که اسلام را می‌پذیرفتند، همان گونه که در سخنان بیرونی نیز مشاهده می‌شود غیر قابل تردید است (و این گونه بود که آن دسته از ترکان اوغوز که اسلام آورده و با مسلمانان در آمیختند و بین دو گروه، نقش مترجم را ایفا کردند).

تاریخ‌نویسان دوره غزنوی همانند گردیزی و بیهقی، اوغوزها را ترکمن یعنی ترک مسلمان نامیده‌اند. بر خلاف این، مولفین خاور نزدیک از آنها به عنوان الغز Elguzz یعنی اوغوز نام برده‌اند؛ زیرا اوغوزها خود را ترکمن نمی‌نامند. اوغوزها این نام را که همه جا توسط مسلمانان به آنها اطلاق می‌شد، به مدتی طولانی نپذیرفتند. از اوایل قرن سیزدهم به بعد، در همه جا واژه ترکمن جای اوغوز را گرفت، اما کلمه اوغوز نیز فراموش نشد و به عنوان نشانه‌ای از پدران باشکوه‌شان به مدتی طولانی در حافظه آنها باقی ماند. منشأ نام ترکمن همانند مولفین امروزی، مولفین قدیمی را نیز به قدر کافی مشغول کرده است. در این خصوص، بین آنها در درجه اول دو نظریه وجود دارد: بنا به یکی از این دو نظر، کلمه ترکمن از اسم «ترک» و پسوند «مان» «مانند» می‌باشد. همان گونه که قبلاً از بیرونی ذکر کردیم، محمود کاشغری نیز داستانی در رابطه با این نظر ارائه می‌دهد (کلیس لی، ج ۳: ۳۰۴-۳۰۷؛ آتالاری، ج ۳: ۴۱۲-۴۱۶). این مثال نشان می‌دهد که در قرن یازدهم، این نظریه که کلمه «ترکمن» به معنی «ترک‌مانند» می‌باشد، نظریه‌ای گسترش یافته بوده است. می‌دانیم که در قرن چهاردهم نیز در ایران روی این نظر تاکید شده است (برزین، ۲۶).

طبق نظریه دوم، کلمه ترکمن از ترک ایمان مشتق شده است. این نظریه را ابن کثیر (البدایه و النهایه، ج ۱۲: ۴۸)، تاریخ مختار و محمد نشری (نشری، ۱۹۴۹: ۱۷، ۱۶، ۸، ۹) پذیرفته‌اند. اما در زمان ما، محققین این مطلب را اظهار کردند که پسوند «من» موجود در کلمه «ترکمن» پسوند مبالغه می‌باشد. قوجامان Kocaman، آزمان Azman، دگیرمن Degirmem این نام را به معنی اوز ترک Oz-Turk یعنی ترک اصیل و ناب گفته و تاکید کرده‌اند (ژان دنی، ۱۹۲۱: ۲۳۶. مینورسکی، ۳۱۱).

روابط بازرگانی رو به گسترش مابین ترک‌ها و مسلمانان، یکی از عوامل مهم اسلام آوردن اغوزها و عموماً ترک‌ها بوده است. در اوایل قرن دهم همان‌گونه که در شهرهای متعلق به اغوزها مانند ینی‌کند، Yeni Kend، خواره Huvare و جند Cend مسلمان‌نشین وجود داشت، بین این کلنی‌های مسلمان و ترک‌های همجوار روابط دوستانه‌ای برقرار بود. اغوزها از این تاجران و مسلمانان که دارای فرهنگ و مدنیت پیشرفته‌ای بودند، اصول دین اسلام را می‌آموختند. از طرف دیگر، کاروان‌هایی به تعداد هزاران نفر چه از ماوراءالنهر و چه از خوارزم به دورترین سرزمین‌های ترک مسافرت می‌کردند. به لحاظ این که هر تاجر مسلمان قادر به مسافرت در سرزمین ترک‌ها باشد، لازم بود که با یک فرد ترک روابط دوستی و شراکت داشته باشد. در این میان، درویش و مبلغان مذهبی مسلمان و نیز با تبلیغات و آموزش‌های خود در پذیرش اسلام توسط ترک‌ها نقش قابل‌ذکری داشتند.

ترکمن‌های ماورای خزر

زبان ترکی در قرن شانزدهم، یک زبان بی‌رقیب در امپراطوری عثمانی بود، با این حال در ترکستان تا اوایل قرن بیستم، زبان فارسی به عنوان زبان رسمی به کار می‌رفت. ترکمن‌ها بعد از هجوم مغول نیز همانند قدیم، کماکان نیرومندترین قدرت سیاسی خاور نزدیک قلمداد می‌شدند. در شجره‌تراکمه آمده است که طوایف ترکمن اوقلی Oklu، گوکلی Goklu و سلطانی Sultanlu از قدیم در کوهستان‌های بالکان سکونت داشته‌اند. نام طایفه اوقلی در منابع مربوط به دوره صفویان در قرن شانزدهم همراه با طوایف ایمر، سالور و گوکلنگ (گوگلان) آمده است. گوگلان‌ها که شاعر ملی ترکمن مختم‌قلی از میان آنها برخاسته است، در بخش علیای رودخانه گرگان سکونت دارند. مشاهده می‌شود که گوگلان‌ها، یک اتحاد قبیله‌ای را تشکیل نداده‌اند. این قبیله شامل تیره‌هایی منسوب به طوایف بگدیلی Beg-dili، بایندر Bayindur، قایی Kayi و ایمر بود. خاندان عثمانی معتقد بودند که طایفه قایی مذکور از طوایف منسوب به خودشان بوده است (بارنز، ۱۸۳۵: ۱۹۹).

در خصوص این که ترکمن‌های ماورای خزر ابتدا از چه طوایفی به وجود آمده‌اند، بنا به درجه اهمیت می‌توانیم از این طوایف نام ببریم: سالور، چاولدور (چاوندور، چاودور)، ایگدیر Igdir، یازیر Yazir، ایمر، قارقین. این طوایف از مانقشلاق به خراسان و بالکان آمده بودند (فاروق، ۱۳۸۰: ۲۴۰).

موقعیت جغرافیایی سکونت ترکمن‌ها در ایران

ترکمن‌ها در منطقه ترکمن صحرا ساکن هستند که در شمال شرقی ایران است و شامل شهرهای گنبد کاووس، بندر ترکمن، آق‌قلا، مراوه‌تپه، کلالة، سیمین‌شهر، گمش‌تپه، نگین‌شهر، انبار آلوم و داشلی برون

می‌باشد. اکثریت جمعیت ترکمن صحرا را ترکمن‌ها تشکیل می‌دهند که مردمانی ترک‌زبان و مسلمان (اهل سنت حنفی) می‌باشند. از لحاظ موقعیت جغرافیایی، این منطقه از مغرب به دریای خزر و از شمال به جمهوری ترکمنستان محدود می‌شود که با طول ۴۰۰ کیلومتر از غرب به شرق گسترده است و از مشرق به خراسان و منطقه نیمه‌خشک بجنورد و دره‌گز و از جنوب به کوهپایه‌های جنگلی البرز شمالی محدود است. شیب زمین از جنوب به شمال و از شرق به غرب در امتداد شبکه آب‌ها و رودهایی که به دریای خزر می‌ریزد، کاهش می‌یابد (گلی، ۱۳۶۶ش).

آداب و رسوم مذهبی ترکمن‌ها

در میان ترکمن‌ها، بیشتر جشن‌ها جنبه مذهبی دارند و به آن‌ها بایرام گفته می‌شود؛ مانند (قربان بایرام) عید قربان، (اراز بایرام) عید فطر و نیز آخرین چهارشنبه ماه صفر یا چهارشنبه سیاه که در پایان ماهی که در آن بلا زیاد است، جشن «رمضان» به مناسبت نیمه رمضان و جشن نیمه ماه شعبان و «آق قویین». از اعیاد دیگر نیز می‌توان به «مولودی» و مراسم «طلب باران» اشاره کرد. در اینجا به تبیین شیوه برگزاری مهمترین آیین‌ها و برنامه‌های مذهبی ترکمن‌ها می‌پردازیم:

اعیاد و مراسم عبادی در بین ترکمن‌ها

۱. عید قربان یا قربان بایرام

این عید، عیدی بزرگ برای مسلمانان است. در این عید، ترکمن‌ها خانه‌های خود را آراسته و تزئین می‌نمایند. بهترین لباس‌های خود را پوشیده و شیرینی‌های گوناگون را فراهم می‌نمایند و چشم به راه مهمان می‌نشینند. این رسم، به مانند عید نوروز باستانی ایرانیان است. در گذشته، ترکمن‌ها تنها خوراکی‌های گوناگونی را از گوشت پخته و آن‌ها را برای همسایگان‌شان می‌فرستادند و سال خوب و پربرکتی برای آنان آرزو می‌کردند. همچنین در عید قربان، پسران و دختران بیشتر از معمول به بازی می‌پردازند؛ از جمله این که تعدادی پسر و دختر در جایی گرد هم می‌آیند و با چند چوب و ریسمان، تابی را که در اصطلاح محلی به آن سنجق می‌گویند، درست کرده و تاب می‌خورند. مردم توان‌گر فارس‌زبان استان گلستان هم قربانی کرده و این روز را جشن می‌گیرند.

قربان بایرام یا عید قربان که مهمترین جشن ترکمن‌ها است، در روز دهم ذیحجه با قربانی کردن دام‌ها برگزار می‌شود. این جشن، روز هفتم ذیحجه شروع می‌شود که این روز را روزی که از بوی خوش جشن خبر دهد، می‌نامند. در این روز، خانه و تمام اسباب و وسایل را تمیز می‌کنند. روز هشتم، روز «عید مردگان» است که برای مردگان‌شان «پاسدق» نذر می‌کنند که نوعی نان است. روز نهم، «دیری عید» و روز زنده‌ها

است و بهترین و تمیزترین لباس‌های‌شان را می‌پوشند. شب قبل از عید، استحمامی مخصوص می‌کنند که به آن «قربان‌شوره» گویند و روز دهم یا «قربانلیق»، روز قربانی کردن در راه خداست. روزهای یازدهم و دوازدهم، روزهای صدقه دادن یا «چاقرمق» به معنی دعوت کردن است و برای خوردن آبگوشت قربانی همدیگر را دعوت می‌کنند. روز عید قربان، هر خانواده در حدی که شرع معین کرده است، گوسفند یا بز یا گاو را ذبح می‌کند. چنانچه کسی یک اسب و یک جفت گاو برای شخم زدن داشته باشد (امروزه موتور سیکلت به جای اسب و تراکتور به جای دو گاو کاری حساب می‌شود)، قربانی بر او واجب است. صبح عید همگی تا هنگام قربانی کردن و باز کردن دهان با گوشت قربانی روزه هستند. مردان برای نماز جماعت به مسجد رفته و نماز عید قربان می‌خوانند و پس از آن در موقع ذبح، چاله‌ای در زمین حفر می‌کنند و وسط آن قدری برآمدگی خاک را باقی می‌گذارند و روی آن، مقداری خاکستر نمک و گندم (آرد) می‌گذارند. وقتی خون قربانی در چاله ریخت، آن را با این مواد مخلوط کرده، برای تبرک بر پیشانی می‌مالند. البته این کار امروزه توسط روحانیون منع شده است.

همچنین در روزهای عید، بر سینه تپه‌ها، بر میدان‌چه‌ها و ایوان‌خانه‌ها تاب «سالانچق» برپا می‌دارند و دختران، پسران، زنان، مردان و کودکان به تاب‌بازی مشغول می‌شوند. زیرا چنین باور دارند که بار گناه بر شانه‌های انسان است و با تاب خوردن (که کنایه‌ای از صعود است)، گناه از شانه‌ها فرو می‌ریزد و می‌گویند در قدیم که دل سیاهی نبود، با هم تاب می‌خوردند و این روز، روز آشنایی جوانان با یکدیگر بود (پیشین).

۲. عید فطر یا آراز بایرام

در روز عید فطر، پس از خواندن نماز عید با پوشیدن لباس‌های نو و تمیز به دید و بازدید می‌پردازند و به هم تبریک می‌گویند. این عید نیز با خیرات و مبرات همراه است. البته ترکمن‌ها در ماه رمضان، دو شب را جشن می‌گیرند که یکی از آنها، شب «یا رمضان» یعنی شب چهاردهم ماه رمضان است. در این شب و بعد از نماز مغرب، یک روحانی به همراه عده‌ای که به خاطر صواب او را دنبال می‌کنند، به در خانه یکایک اهالی رفته و با خواندن اشعاری به مردم قوت قلب می‌دهند که نیمی از ماه رمضان گذشته و چیزی از ماه رمضان باقی نمانده است. صاحبان منازل به آنها پول یا جنسی می‌دهند که بعد از جمع‌آوری، میان روحانی و آن عده تقسیم می‌شود و شب دیگر، شب قدر یا شب ۲۷ ماه رمضان است که تا سحر را به شب‌نشینی و دعا خواندن و خوردن شیرینی و تنقلات می‌گذرانند.

ترکمن‌ها در روز عید فطر، مثل همه مسلمین روزه گرفتن را حرام می‌دانند. در این روز، مردان در هر گروه سنی که نماز بر آنها واجب شده است، به عیدگاه می‌روند و در صفوف فشرده و منظم به سخنان و پند

و اندر زهای واعظان گوش می دهند، سپس به امامت امام جمعه شهر دو رکعت نماز عید فطر را می خوانند و بعد از نماز، بلافاصله به دید و بازدید اقوام و خویشاوندان و دوستان رفته و عید را تبریک می گویند. همچنین جهت زیارت و دعا برای گذشتگان و از دست رفتگان خود به قبرستان محل می روند و معمولاً خانواده نیز سفره های رنگینی را پهن می کنند تا از میهمانان عزیز پذیرایی کامل صورت پذیرد. بیشتر خانواده ها مراسم صدقه دارند و امام جماعت مسجد محل و همسایگان و سایر میهمانان را جهت پذیرایی و صرف نهار دعوت می نمایند. همچنین زنان ترکمن، یک روز قبل از عید فطر را قوقن می نامند و در این روز، نان های روغنی (چافاتی) را با کمک افراد خانواده می پزند و آن را بین همسایگان تقسیم می کنند.

۳. مولودی تولد پیامبر(ص)

مولودی یا جشن تولد پیامبر(ص) را ترکمن ها بسیار مهم می دانند. ترکمن ها اعتقاد دارند که حضرت محمد(ص) در دوازده ربیع الاول به دنیا آمده و در همین روز هم از دنیا رفته است. اگر این روز برابر با دوشنبه باشد که شب تولد پیامبر است، مولودی بسیار پر هیجان می شود و مجلسی برگزار می کنند که تنها مردان حق شرکت در آن را دارند و ساعت هایی را با شعر خوانی درباره پیامبر می گذرانند (ابن بطوطه).

۴. مراسم طلب باران

اگر باران نبارد، مراسمی به نام «سویی قازان» برپا می شود. اهالی محل در یک چهارشنبه، گوسفندی کشته و در مسجد به دعای مخصوص می پردازند. هنگام دعا، دست ها کشیده و انگشتان را به طرف پایین می گیرند و طلب رعد و برق و نزول باران می کنند. پس از دعا و صرف غذا در گروه های سی یا چهل نفری به همراه آخوندی به در منازل رفته و آرد جمع می کنند. اگر اهالی خانه خواسته آن ها را بر آورده کردند، دعا می کنند تا فرزندی پسر نصیب آن ها گردد و در غیر این صورت، برای آن ها فرزند دختر آرزو می کنند. سپس با آن آرد، آش می پزند و میان مردم تقسیم می کنند. این رسم که در میان گوگلان ها به «توی تاتان» معروف است با جمع آوری و فروش آردها و دادن صدقه در شب بعد پایان می یابد (محمودی نژاد، ۱۳۹۱).

۵. رویت هلال ماه مبارک رمضان

«یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ: ای کسانی که ایمان آورده اید بر شما روزه واجب شده است همان طور که بر کسانی که قبل از شما بودند واجب گردیده تا باشد که پرهیزگار شوید.» (بقره، ۱۸۳)

به استناد آیه شریفه قرآن کریم که روزه گرفتن بر هر مسلمانی اعم از زن و مرد واجب می باشد، با حلول ماه مبارک رمضان شور و شوق خاصی در میان ترکمن ها ایجاد می شود. بنا به فرمایش پیامبر عظیم الشان

حضرت محمد(ص) که فرمودند: «صوموا لرؤيته وأفطروا لرؤيته» در روز آخر ماه مبارک شعبان و پس از غروب آفتاب، مرد و زن از کوچک و بزرگ، به اتفاق همدیگر برای رویت هلال ماه مبارک رمضان از خانه و منزل خود بیرون می‌آیند و دیدگان خود را به نقطه رویت آن معطوف می‌دارند تا بتوانند ثوابی را که با رویت ماه شامل حال یک انسان می‌شود از آن مستفیض و بهره‌مند شوند.

البته گاهی احتمال دارد که در روز بیست و نهم شعبان، به خاطر نامساعد بودن وضعیت جوی رویت ماه مقدور و ممکن نباشد، در این‌گونه مواقع اگر خبری از مناطق دیگر توسط ائمه جمعه و جماعات دال بر رویت ماه مخابره شود، همان شب سحر بیدار می‌شوند. اما اگر رویت ماه به خاطر وضعیت جوی ممکن نباشد و از مناطق دیگر خبری از رویت ماه نرسد، روز بعد (روز سی‌ام) ماه شعبان به صورت یوم‌الشک روز گرفته می‌شود، اما نماز تراویح خوانده نمی‌شود. پس از اثبات رویت ماه و انتشار خبر آن توسط ائمه جمعه و جماعات در سطح منطقه و یا از طریق صدا و سیما، همه ائمه جمعه و جماعت بعد از نماز عشاء، نماز تراویح را که در مجموع بیست رکعت است (ده نماز دو رکعتی غیر از نماز عشاء) در سی شب از شب‌های ماه مبارک رمضان در مساجد محل برگزار می‌کنند که در هر چهار رکعت نماز تراویح، جهت تنفس نماز گزاران سه بار دعای زیر توسط یکی از قاریان قرائت می‌شود: «سبحان ذی الملك و الملكوت سبحان ذی العزه و العظمه و القدره و الکبرياء و الجبروت سبحان الملك الحی الذی لا ینام و لا یموت سبحان قدوس ربنا و رب الملائکه و الروح لاله الا الله نستغفر الله و نستلک الجنه و نعوذ بک من النار» (آیین‌های ماه رمضان بین اهل سنت استان گلستان)

۶. برگزاری نماز تراویح و دعای بعد آن

«اللهم صل علی سیدنا و مولانا محمد و علی آله و اصحابه و سلم، اللهم زینا بزینت الایمان و شرفنا بشرافه الهدایه و العرفان و اکرمننا بصیام شهر رمضان و ارزقنا الجنه و تقبل منا تراویحنا و تسابیحنا یا حنان بفضلک و جودک یا منان برحمتک یا ارحم الراحمین»

بعد از این دعا، آیات کریمه زیر توسط قاری قرآن خوانده می‌شود:

«شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (بقره، ۱۸۵)

در ماه مبارک رمضان، در بعضی از مساجد در نمازهای تراویح مراسم ختم قرآن برگزار می‌شود که ترتیب آن نیز مثل نمازهای تراویح است؛ با این تفاوت که به جای سوره‌هایی از سی جزء قرآن، همه قرآن را

به پنج یا شش بخش تقسیم می‌کنند و در طول پنج یا شش شب، همچون نماز تراویح در بیست رکعت به جای می‌آورند. البته قرائت قرآن در این شب‌ها در نماز تراویح توسط قاریان و حافظان حاذق منطقه صورت می‌گیرد که غالباً دو نفره یا سه نفره می‌باشد.

در ایام رمضان در بین ترکمن‌ها رسم است که حتی الامکان نماز خود را در مساجد محل برگزار نمایند، چون اجر و ثواب نماز جماعت در آن ماه به مراتب بیشتر از سایر ماه‌هاست. آنچه که در این ایام در بین ترکمن‌ها بیشتر چشمگیر است، حضور گسترده نوجوانان و جوانانی است که با ندای اولین بانگ اذان با کلاه‌های سفید در صحن نماز حضور می‌یابند. از جلوه‌های دیگر این ماه، در زمان افطار است؛ البته در بین ترکمن‌ها رسم است که هر روز، چند خانواده برای افطاری صدقه‌های خود را که بیشتر غذای آبکی و خرما است، به مساجد می‌آورند و پس از اذان مغرب تناول می‌کنند. ضمناً در زمانی که صدقه‌ای آورده شود، پس از غروب آفتاب موذن از بلندگو قبل از اقامه نماز کلمه «آغد آچلی» یعنی زمان افطاری است را می‌گوید و پس از تناول صدقه، اذان گفته و نماز را به جا می‌آورند.

کلاس‌های قرائت قرآن، احکام و شرعیات در این ماه پس از نماز عصر توسط ائمه جماعات برگزار می‌شود و در فواصل این ایام، اکثر جوانان قرآن را فرا می‌گیرند حتی پیرمردان نیز در این کلاس‌ها شرکت می‌کنند و راجع به نماز و قرآن و مسائل دینی سوال می‌کنند و دوست دارند بیشتر با قرآن مأنوس شوند و از فیوضات آن در ماه مبارک رمضان بهره‌مند گردند. در بعضی از محلات ترکمن‌نشین، امام جماعت از طریق بلندگو به پند و موعظه و نصیحت و تشریح مسائل دینی می‌پردازد و آنان را به انجام این فریضه الهی دعوت می‌کند و از آنان می‌خواهد که بیشتر در این ماه به عبادت و بندگی مشغول باشند و کمک و دستگیری از مستمندان را فراموش نکنند و از گناهان خود طلب استغفار کنند و روزه‌داری را افطاری دهند تا در روز قیامت از آتش جهنم مصون شده و از حوض کوثر ساقی باشند.

همچنین از موارد دیگری که لازم به ذکر است بیداری اهالی محله در بعضی مناطق در موقع سحری است که این عمل توسط موذن محله از طریق بلندگو و یا توسط همسایگان صورت می‌گیرد تا همه بتوانند سحری به موقع بیدار شوند و در خواب نمانند. پس از تناول سحری همه با نیت «نویت ان اصوم صوم شهر رمضان من الفجر الی المغرب خالص الله تعالی» روزه می‌گیرند. روزه‌ای که توأم با پرهیز از منکرات و لهو و لعب و دوری از تهمت و دروغ و چشم‌چرانی‌ها و تلاش در وصل به خدا و کمک به مستمندان و شاکر نعمت- هاست.

۷. مراسم شب چهاردهم

ترکمن‌ها در شب چهاردهم ماه مبارک رمضان، مراسمی تحت عنوان «یا رمضان» دارند که به شکرانه نیمه شدن این ماه و نعمتی که از آن برخوردار بوده‌اند، برگزار می‌کنند. بدین ترتیب که بعد از نماز عشاء و تراویح، گروهی از جوانان و نوجوانان به رهبری معمولاً پیش‌نماز مسجد بر در خانه‌ها می‌روند و رهبر این گروه اشعاری را در ستایش این ماه می‌خواند و دیگران «الله» می‌گویند. صاحب‌خانه نیز مبلغی پول یا شیرینی می‌دهد که در نهایت بین رهبران گروه این مراسم تقسیم می‌شود.

پیام کلی «یا رمضان» این است که «ماه نیمه شد همت کنید برای نیمه دیگر».

ابیات زیر از اشعار مربوط به «یا رمضان» است که رهبر گروه می‌خواند و دیگران نیز در پایان هر بخش، الله می‌گویند:

السلام علیک یا تان کیشی لر	السلام بر کسانی که در حال استراحت هستند
کرفیگینی کرفیگه غاتان کیشی لر	و مژه بر مژه نهاده‌اند
نماز اوقیب روزه توتان کیشی لر	سلام بر نماز گزاران و روزه‌داران
محمد امتینه یا شهر رمضان	سلام بر امت محمد(ص)

گروه: الله / آلاو

رمضان آیلاری گلرده گچر	سرانجام ماه رمضان پایان خواهد یافت
آیینگ اون دوردینه یالقیمین ثچر	در شب چهارده همه‌جا روشن خواهد شد
آطینی ایر لاب میناردا قاچار	و سوار بر اسب راه‌وار خواهد تاخت
محمد امتینه یا شهر رمضان	سلام بر امت محمد(ص)

گروه: الله / آلاو

روزه توتماپانی نه ایلایار لار	با روزه‌خواران چه خواهند کرد؟
تاموغ نینگ اورتائیندا باغلا یار لار	آنان را در آتش جهنم گرفتار خواهند کرد
یوزینه قارا چکیب داغلا یار لار	مهر سیاهی و سیاهکاری بر چهره‌شان خواهند زد
محمد امتینه یا شهر رمضان	سلام بر امت محمد(ص)

گروه: الله / آلاو

۸. مراسم لیالی قدر

ترکمن‌ها برای شب ۲۷ ماه مبارک رمضان، احترام خاصی قائل هستند. در این شب، برای پذیرایی از مهمانان که به دیدار می‌آیند، سفره‌های رنگین می‌چینند و به نام «قدر گیجه» یا شب قدر شادی می‌کنند، چرا

که معتقدند شب قدر، شب نزول قرآن بر صاحب ختمی مرتبت برای هدایت بشر است و طبق آیه قرآن کریم، عبادت در این شب بهتر از عبادت هزار ماه می‌باشد. علاوه بر آن، به اعتقاد ترکمن‌ها حضرت خضر(ع) بر کسانی ظاهر می‌شود که نیکوکار هستند، پس گروهی که خود را مستحق زیارت آن حضرت می‌دانند تا وقت سحری به دیدار اقوام و دوستان می‌روند تا شاید بخت دیدار دیدار آن یار آشنا را بشارت دهد. در ضمن، در این شب خانواده‌هایی که قصد ازدواج و وصلت دارند، هدایا و نقل و شیرینی برای خانواده عروس می‌برند و این ایام را به آنان تبریک و شادباش می‌گویند. همچنین ترکمن‌ها عقیده دارند که پرداخت فطریه قبل از شب قدر، ثواب بیشتری دارد؛ اگر چه تا پایان ماه مهلت دارند.

این که اهل سنت، شب ۲۷ ماه مبارک رمضان را شب قدر می‌دانند، به چند دلیل است: نخست؛ مفسران اهل سنت، کلمات سوره قدر را شمارش کردند و تعداد کلمات این سوره، سی کلمه بوده و کلمه بیست و هفتم آن، که کلمه «هی» می‌باشد اشاره به شب قدر دارد. دیگر این که در همین سوره، کلمه «لیله القدر» سه بار تکرار شده است که تعداد حرف‌های این کلمه نه حرف می‌باشد و تعداد تکرار کلمات ضرب در تعداد حروف بیست و هفت می‌شود و این نشان از شب قدر بودن شب بیست و هفتم می‌باشد. علاوه بر این‌ها، عارف نامی، حضرت بایزید بسطامی نیز دو بار شب قدر را در خواب دیده است که هر دو بار، شب بیست و هفتم بوده است. بنا به همین دلایل، مفسران اهل سنت شب بیست و هفتم را بر شب‌های فرد دیگر دهه آخر رمضان ترجیح داده اند.

۹. مراسم اعتکاف

پیامبر گرامی اسلام(ص) در روایتی فرموده که شب قدر را در شب‌های فرد دهه آخر ماه مبارک رمضان بیابید. بنا به همین روایت، در بیشتر مساجد اهل سنت، امام جماعت محل یا یکی از صوفیان محل ده روز یا حداقل سه روز آخر ماه رمضان را به اعتکاف می‌نشینند و در خانه خدا به عبادت و بندگی مشغول می‌شوند تا شب قدر را در خانه خدا با عبادت و بندگی بگذرانند.

روز کَر: روز کَر کنایه از خانه تکانی دارد. ترکمن‌ها، دو روز قبل از پایان ماه مبارک رمضان را روز «کَر» می‌دانند. در این روز زنان خانواده با کمک دختران و زنان همسایه و دوست و آشنا برای نظافت خانه، اعم از شست‌شوی فرش‌ها، ظروف، لباس‌ها و خانه‌تکانی همت می‌گمارند تا به استقبال عید فطر بروند.

۱۰. احترام به روز عاشورا در میان ترکمن‌ها

یکی از روزهای به یاد ماندنی و با فضیلت و کرامت، ایام محرم و خصوصاً روزهای عاشورا و تاسوعا است. این روزها در نزد ترکمن‌ها به استناد احادیث و روایات از احترام و جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.

ترکمن‌ها با الهام از قرآن کریم که فرمود: «وذكرهم بايام... ان في ذلك لايات لكل صبار شكور: روزهای خدا را به یاد آورید همانا در آن برای اهل صبور و شکور نشانه‌هایی است» (ابراهیم، ۵) برای این روزها، حرمت خاصی قائلند. از نظر علمای اهل سنت، مصادف با روز عاشورا در طول حیات تاریخ وقایع مهمی در زمان‌های مختلف رخ داده که هر کدام به نوبه خود جای تأمل و تفکر دارد. از جمله این حوادث که می‌توان به آن اشاره نمود عبارتست از:

۱- استجابت توبه حضرت آدم(ع)؛

۲- عروج حضرت ادریس به بهشت برین؛

۳- قرار گرفتن کشتی حضرت نوح(ع) در کوه جودی پس از اتمام سیل؛

۴- روز ملاقات و دیدار حضرت یعقوب(ع) با فرزندش حضرت یوسف(ع)؛

۵- روز شفا یافتن حضرت ایوب(ع) از مرض ناعلاج؛

۶- روز نجات حضرت موسی(ع) از دریا و غرق شدن فرعون و یارانش؛

۷- روز نجات حضرت یونس(ع) از شکم ماهی؛

۸- روز نجات حضرت ابراهیم(ع) از آتش نمرود؛

۹- روز استجابت توبه حضرت داود(ع)؛

۱۰- روز تولد حضرت ابراهیم(ع) و انتخاب وی به عنوان (خلیل الله از جانب خداوند)؛

۱۱- به شهادت رسیدن نوه گرامی پیامبر اکرم(ص) و فرزند برومند حضرت علی(ع) و حضرت فاطمه

(سلام الله علیها)، حضرت امام حسین(ع) به اتفاق ۷۲ تن از یاران با وفای خود در صحرای کربلا.

ماه محرم در میان ترکمن‌ها به عنوان «عاشرای» معروف می‌باشد و وجه تسمیه آن به خاطر وجود روز عاشورا در آن ماه است. در حقیقت، عاشورای مخفف دو کلمه «عاشور» به علاوه «آی» می‌باشد؛ یعنی ماه عاشورا که رفته‌رفته به خاطر سهولت در تلفظ به صورت «عاشور آی» و «عاشر آی» درآمده است. ترکمن‌ها در این ماه با کرامت آداب رسوم خاصی دارند که از جمله آنها گرفتن روزه و خواندن نمازهای نافله و دادن صدقه و با پختن انواع نان و اطعمه محلی و دعوت از اهالی محله در مراسم نهار و فرستادن صدقه به مساجد و خواندن دعا و قرآن به ارواح طیبه شهدای مظلوم کربلا مخصوصاً امام حسین(ع) است. در این روز، اغلب ترکمن‌ها روزه می‌گیرند و بر این اعتقادند که روزه گرفتن در این ماه، کفارت گناهان یک سال گذشته وی را می‌کند. در روز عاشورا، صدقه دادن به فقرا و دستگیری از تهی‌دستان و بینوایان و تلافی کردن به یتیمان و

سلام دادن به هم‌نوعان و ارشاد و راهنمایی و هدایت انسانها به صراط مستقیم و خشم خود را خوردن پاداش و ثواب زیادی به همراه داشته و خداوند جل جلاله نیز برای این امور حسنه در روز قیامت درجات و منزلت والایی در نظر گرفته است. در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است که یک بار غسل کردن در این روز، موجب مصون ماندن انسان از درد چشم در دنیا و دو بار غسل کردن موجب بخشوده شدن تمامی گناهان می‌گردد (الترمذی، ۱۹۹۸).

۱۱. برگزاری مراسم نماز و دعا در روز عاشورا

ترکمن‌ها به استناد حدیثی از رسول اکرم (ص) در روز عاشورا در منازل و یا مساجد، نمازهای نافله می‌خوانند و ثواب آن را به روح پاک امام حسین (ع) و یاران وی هدیه می‌کنند و در روز قیامت از آن بزرگوار و امام همام طلب شفاعت و امید وساطت دارند (عواد، ۱۹۹۸، م، ج ۲: ۱۲۰).

ترتیب نماز عاشورا: نماز روز عاشورا، چهار رکعت است که در هر رکعت، قرائت سوره حمد و در روایتی یازده مرتبه و در روایتی دیگر پنجاه مرتبه سوره اخلاص خوانده می‌شود. برای ادا کنندگان نماز در این روز، بشارت بخشایش گناهان پنجاه سال از عمر گذشته و پنجاه سال از عمر آینده داده شده است.

اسلام و قرآن نه تنها به حب و ولای رسول الله (ص) که به عشق و ارادت و محبت و مودت اهل بیت و خاندان و خویشاوندان آن حضرت تأکید و توصیه کرده و در آیه ۲۳ سوره شوری می‌فرماید: «قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ: بگو در ازای رسالت خود اجر و پاداشی از شما نمی‌خواهم مگر محبت و دوستی نسبت به خویشاوندانم.» ترکمن‌ها نیز بنا به این فرموده، نسبت به خویشاوندان و اهل بیت پیامبر (ص) بالاخص به حضرت علی (ع) و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و حضرت فاطمه (س) ارادتی خاص و محبانه دارند و اعتقاد دارند که امام حسین (ع)، سید جوانان اهل بهشت می‌باشد که پیامبرگرامی (ص) در حق ایشان فرموده‌اند: «حسین منی وانا منه احب الله من احب حسینا احبوا الله لما یغذوکم من نعمه و احبونی بحب الله و احبوا اهل بیتی لحتبئی: حسین از من است و من از اویم دوست می‌دارد خداوند کسی را که حسین را دوست بدارد.» به عبارت دیگر، خدا را به خاطر نعمت‌های فروان ظاهری و باطنی‌اش دوست بدارید و مرا به خاطر خدا دوست بدارید و اهل بیتم را به خاطر این که من آنان را دوست دارم دوست بدارید. علامه اقبال لاهوری چه زیبا سروده است:

از ولای دودمانش زنده‌ام
در جهان مثل گهر تابنده‌ام

۱۲. نام‌گذاری متولدین ماه محرم در میان ترکمن‌ها

در بین ترکمن‌ها ایام ماه محرم، روز عاشورا، امام حسن (ع) و امام حسین (ع) با عشق و اخلاص و ارادت بیشتری همراه است. نام گذاری ترکمن‌ها و وجه تسمیه آنها از فرهنگ و اعتقاد دینی آنها سرچشمه می‌گیرد. با نگرشی به اسامی ترکمن‌ها بدون این که سوال شود، می‌توان فهمید که طرف مقابل در چه ماهی از سال و یا در چه موقعی از روز متولد شده است. ترکمن‌ها به فرزندان پسر خود که در ایام ماه محرم و یا در روز عاشورا متولد شده‌اند، نام‌هایی مانند عاشور، عاشور محمد، عاشور گلدی، عاشور قلی، عاشور دوردی و عاشور قلیچ می‌گذارند. برای دخترانی نیز که در این ایام متولد شده‌اند، نام‌هایی نظیر عاشور تاج و عاشور بی بی می‌گذارند و همچنین به فرزندان پسر دو قلوبی که در این ایام متولد می‌شوند نام‌های حسن، حسین و برای دختران عایشه، فاطمه نام می‌گذارند.

۱۳. مراسم عزاداری برای واقعه کربلا

پیامبر اکرم (ص) با عنایت به علم و الهاماتی که از طرف خداوند متعال داشتند، در زمان خود از شهادت نوه گرامی‌شان امام حسین (ع) در صحرای کربلا خبر دادند و به اصحاب و یاران خود سفارش کردند که هر کس آن زمان را دریابد، از امام حسین (ع) دفاع کند و او را در مقابل دشمنان اسلام یاری نماید. ترکمن‌ها در ایام عاشورا و محرم، با برگزاری آیین‌های ویژه خود مراتب اخلاص و ارادت خود را نسبت به خاندان رسول‌الله و مخصوصاً امام حسین (ع) نشان می‌دهند. ترکمن‌ها مثل برادران اهل تشیع سینه‌زنی و یا گریه و زاری نمی‌کنند و این عمل، دلیلی بر نداشتن محبت نسبت به اهل بیت رسول‌الله (ص) نیست؛ بلکه به خاطر عدم جواز شرعی از جانب مذهب‌شان است. با این وجود، اعتقاد راسخ دارند که قیام امام حسین (ع) قیامی علیه ظلم و ستم‌گری بوده و نهضت او، نهضت نجات‌بخش ستم‌دیدگان و مظلومان بود و ایشان برای اصلاح امت جدش و جهت برپایی فریضه امر به معروف و نهی از منکر قیام کرده بود.

۱۴. جشن شصت و سه سالگی

در بین مردم ترکمن مرسوم است که هر یک از مردان که به سن شصت و سه سالگی می‌رسد، به پاس بزرگداشت شصت و سه سال زندگی حضرت محمد (ص) جشنی را به پا می‌دارد. این جشن که به زبان ترکمنی بدان آق قویون (گوسفند سفید) می‌گویند، با توجه به وضع مالی شخص برگزار کننده ممکن است مفصل یا مختصر باشد. حداقل این که باید با غذای مختصری آب گوشت از مدعوین پذیرایی شود و اگر هم صاحب جشن توانایی مالی داشت، یک یا دو بره و گوسفند سفید یا بز را ذبح کرده و در میان خانواده‌ها تقسیم می‌کند. گاهی هم ممکن است مراسم کشتی و مسابقه اسب‌سواری ترتیب دهند. در مراسم کشتی-گیری، روستائیان دور دست نیز شرکت می‌کنند و به برندگان این مسابقات، از طرف صاحب جشن یا

خویشاوندان نزدیک او، پول نقد یا پارچه و پیراهن به عنوان جایزه می‌دهند. ناگفته نماند که ترکمن‌ها در سفید بودن بز و یا گوسفندانی که برای این جشن قربانی می‌شود، اصرار نمی‌ورزند.

نتیجه‌گیری

توجه به ظرفیت‌های فرهنگی اقوام ایرانی و معرفی درست آن توسط فرهیختگان، گامی موثر در جهت تقویت هویت ملی و مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن محسوب می‌شود. زیرا امروز همه تلاش دشمنان در راستای تضعیف فرهنگ ملی و مذهبی مردم به ویژه جوانان متمرکز شده است. علاوه بر آن، توطئه دشمنان در رابطه با اقوام و مذاهب بر محور ایجاد اختلاف بین آنان دور می‌زند، در حالی که اگر به باورها و آداب و رسوم آنان توجه کنیم، در می‌یابیم که بیشتر باورهای اقوام و مذاهب در کشور ما بر محور باورهای اسلامی و محبت به اهل بیت دور می‌زند؛ همان‌گونه که در آیین‌های قوم ترکمن مشاهده شد. بنا بر این نتیجه و کارکرد، شناساندن فرهنگ و آداب و رسوم اقوام موجب افزایش و تقویت وحدت و پیوند ملت ایران است.

منابع

قرآن کریم

۱. دایز، «صنعت ترک»، ترجمه ترکی. او. ارسلان آبا، استانبول، ۱۹۴۶م.
- ابن بطوطه، أبو عبدالله، رحلة ابن بطوطه المسماء تحفة النظار فی غرائب الامصار و عجائب الأسفار، دار الشرق العربی، بی‌تا.
- ابن فضلان، رحلة ابن فضلان إلى بلاد الترك والروس والصقالبة، أبو ظبی، دار السویدی، ۲۰۰۳م.
- آرمینیوس، وامبری، «مسافرت در آسیای میانه»، لندن، ۱۸۶۴م.
- اینان، عبدالقادر، «شامانیزم در تاریخ امروز» آنکارا، ۱۹۵۴م.
- الترمذی، أبو عیسی، سنن الترمذی، المحقق بشار عواد معروف، بیروت، دار الغرب الإسلامی، ۱۹۹۸م.
- دنی، ژان، گرامر زبان ترکی، پاریس، ۱۹۲۱م.
- صفایی، یوسف، مقالات فرهنگی مطالبی کلی درباره ترکمن‌ها به نقل از پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان-شناسی همگانی، انتشارات هفته‌نامه صحرا، ۱۳۸۶ش.
- فاروق، سومر، آثار داستانی متعلق به اوغوزها(ترکمن)، مجله دانشکده زبان و تاریخ جغرافیا، سال هفدهم. شماره ۳-۴، ۱۳۸۰ش.
- فاروق، سومر، اوغوزها(ترکمن)، ترجمه آنادردی عنصری، تهران: حاجی طلایی، ۱۳۸۰ش.

الفیروزآبادی، مجدالدین أبوطاهر محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، تحقیق مکتب تحقیق التراث فی مؤسسۃ الرسالۃ، بیروت، مؤسسۃ الرسالۃ للطباعۃ والنشر والتوزیع، ۲۰۰۵ م.
گردیزی، ابوسعید عبدالحی، زین الاخبار، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳ ش.
گلی، امین الله، تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمن ها، چاپخانه مهارت، ۱۳۶۶ ش.
مقدسی، البدعوه التاريخ، ترجمه س.ل. هوارت، ج ۴، پاریس، ۱۹۰۷ م.
نشری، محمد، جهان نما، به کوشش ف. اوتات و م. ا. کویمن، آنکارا، ۱۹۴۹
ولادیمیروویچ، بارتولد واسیلی، درس هایی درباره تاریخ ترک های آسیای مرکزی، ۱۹۳۰ م.